



مفهوم و فلسفه فقه تربیتی

۱۳۹۲، ۲۷ مهر ۱۳۹۲ آخرین اخبار، دیدگاه (گفت‌وگو/یادداشت)، فرهنگ و ارتباطات



محمد جعفر چناری



هادی شریفی صحی

مفهوم شناسی

در مورد فقه، تعاریف و دیدگاه‌های گوناگونی در خصوص «موضوع» و «محمول» فقه وجود دارد. در باب محمول گزاره‌های فقهی، دو نظر وجود دارد: بر پایه ی نظر اول، محمولات فقهی فقط احکام خمسه‌اند؛ یعنی وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه. اما بر اساس دیدگاه دوم، محمول فقه دو دسته احکام است: یکی احکام تکلیفی پنج گانه؛ دیگری احکام وضعی، مانند طهارت، نجاست و حلیت که ارتباط وثیقی با احکام تکلیفی دارند. پذیرش هر یک از این دو دیدگاه، در تعیین موضوع فقه اثر دارد. در صورتی که فقط احکام تکلیفی را محمول فقهی بدانیم، موضوع فقه، «رفتارهای اختیاری مکلفان» می‌شود. در این صورت، احکام وضعی، جزء مبادی یا منتزعات از احکام تکلیفی خواهد بود و محمول مستقلی به شمار نمی‌آید. اما اگر محمول را اعم از حکم تکلیفی و حکم وضعی بدانیم، موضوع فقه، ترکیبی خواهد بود از رفتارهای اختیاری از حیث اتصاف به احکام خمسه یا متعلقات رفتار از جهت اتصاف به احکام وضعی. شاید با توجه به اینکه کارکرد و فلسفه اصلی و نقش فقه این است که استحقاق ثواب و عقاب و حکمی از احکام پنج گانه را برای رفتارها تعیین کند، نظریه ی نخست راجح باشد؛ البته احکام خمسه گاه ارتباط وثیقی با احکام وضعی می‌یابد. (۱)

در مورد فقه، تعاریف و دیدگاه‌های گوناگونی در خصوص «موضوع» و «محمول» آن وجود دارد.

فقه در لغت

فقه در لغت به معانی گوناگونی به کار رفته است:

۱- مطلق علم و آگاهی (۲) -۲- مطلق فهم (۳) -۳- در قرآن کریم، به معنای تدبّر، تعمّق و فهم عمیق به کار رفته است. (۴)

فقه در اصطلاح

در اصطلاح فقیهان به عبارتهای مختلفی تعریف شده که از میان آنها، عبارت «علم به احکام شرعی» از ادله تفصیلی آنها (۵) ... شهرتی بیشتر دارد.

محمول فقه

محمول فقهی عبارت است از تشریح الهی برای تنظیم حیات انسان چه آنکه به ذات انسان یا افعال او یا امور دیگری که به نوعی به انسان یا افعال او بر می‌گردد، تعلق می‌پذیرد.

تعریف تربیت

زبان‌شناسان و فرهنگ‌واژه‌ها چنین برمی‌آید که «تربیت» مصدر باب «تفعیل» و دارای سه ریشه است:

۱- ربأ، ربؤ (= فعل مهموز) ۲- ربی، یربی (= فعل ناقص) ۳- رب، یرب (= فعل مضاعف)

تربیت چون از «ربا، ربو» باشد، رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و بالیدن را می‌رساند. ابن منظور در لسان‌العرب می‌گوید: «رَبَا الشَّيْءُ يَرْبُو رُبُوًّا وَرِبَاءً: زَادَ وَنَمَّا (۶)، یعنی چیزی رشد کرد و افزوده شد.

و رَبِّيئُهُ تَرْبِيَةٌ وَ تَرْبِيئُهُ، أَي غَذَوْتَهُ (۷)، او را تربیت کرد؛ یعنی غذا داد.

رَبِّ فَلَانٍ وَلَدَهُ يَرْبُوهُ رَبًّا، وَ رَبَّبَهُ، وَ تَرْبَبُهُ، مَعْنَى أَيْ رَبَّاهُ (۸). یعنی پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن.

رب در اصل به معنای مالک و صاحب چیزی است که به تربیت و اصلاح آن می‌پردازد و باید توجه داشت که رب از ماده «ربب» است، نه «ربو» (یعنی ماده اشتقاق آن مضاعف است و نه ناقص). و به هر روی در معنای آن پرورش و تربیت نهفته است. (۹)

به گونه‌ی اجمال تربیت را می‌توان چنین تعریف کرد: «فرایند اثرگذاری و اثرپذیری که میان مربی و متربی، به منظور ایجاد صفتی یا تغییر و اصلاح در شخصیت متربی برقرار می‌شود» در این فرایند دو سویه، مربی اثر گذار است و متربی اثر پذیر؛ گر چه متربی هم می‌تواند اثرگذار باشد، اما بیشتر اثرپذیری وی در این روند ملحوظ است. (۱۰)

تعریف فقه تربیتی:

اسلام برای همه‌ی رفتارهای اختیاری مکلفان حکم دارد و هیچ فعل اختیاری مکلف نیست، مگر اینکه حکمی از احکام پنج‌گانه‌ی شریعت بر آن مترتب می‌شود. این، پیش فرضی است که فقه و اجتهاد متداول، بر آن استوار است. بنابراین اصل، هر رفتاری دارای حکمی واقعی است و ما در مقام اجتهاد، می‌کوشیم به آن حکم برسیم. اما حکم ظاهری که با اجتهاد به دست می‌آید، گاه منطبق بر واقع و در نتیجه منجز است، و گاهی هم با حکم واقعی مخالف و در نتیجه معذّر است. بنابر این قاعده، همه‌ی رفتارهای صورت گرفته در مقام تعلیم و تربیت، دارای احکام شرعی است و باید در صدد کشف آن احکام برآمد.

فقه‌الترتیبه بخشی از دانش فقه است که به تعیین حکم رفتارهای مربیان و متربین می‌پردازد و یکی از حکم‌های پنج‌گانه را برای رفتارهای آنان بیان می‌کند. فقه‌الترتیبه با آنکه ممکن است یک عنوان جدید به شمار بیاید، ولی ریشه‌های آن در فقه سنتی و متداول موجود است؛ مثلاً مباحثی که درباره‌ی تعلیم علوم، انواع علوم و امثال اینها در مکاسب محرمه مطرح است، در حقیقت جزئی از فقه‌الترتیبه است و به همین دلیل نمی‌توان گفت فقه‌الترتیبه موضوع فقهی کاملاً جدیدی است، بلکه این موضوع همیشه در زندگی بشر وجود داشته و بخش‌هایی از آن در فقه مورد بحث قرار گرفته است.

قلمرو فقه تربیتی

فقه‌الترتیبه در میان علوم اسلامی و انسانی قلمرو بسیار گسترده‌ای دارد. تربیت گسترده‌ای به درازای عمر انسان دارد و حتی مشتمل بر عوامل زمینه‌ساز پیش از تولد نیز می‌شود و شامل همه فعالیت‌هایی که به نحوی در پرورش ابعاد وجودی انسان تأثیرگذار است، می‌گردد. همچنین تربیت امری همه‌جانبه و فراگیر بوده و همه ابعاد وجودی انسان، اعم از جسمی، روانی، اخلاقی، عقلانی و مانند این‌ها را در بر می‌گیرد. از سوی دیگر، فقه‌گسترده‌ای عظیم دارد و برای همه مقاطع عمر انسان و حتی پیش از تولد او احکام و باید و نبایدهای شرعی وجود دارد. نگاهی اجمالی به حیطه‌های احکام فقهی و دسته‌بندی‌های ارائه شده نشان می‌دهد که فقه به جنبه خاصی از زندگی انسان نمی‌پردازد، بلکه قانون‌گذار شرعی چنان حکیمانانه احکام شرعی را وضع کرده که در پرتو التزام و عمل به آنها همه جنبه‌های وجودی انسان پرورش می‌یابد؛ چه این که در فقه هم احکام مربوط به تأمین سلامت جسمی و نیز تأمین امور معیشتی و مادی وجود دارد و هم احکام مربوط به سلامت عقلانی و روانی و هم احکام فردی و اجتماعی. بنابراین، گستره قلمرویی این دو حیطه در ابعاد و جنبه‌های مشترک زمینه تعامل این دو را فراهم می‌سازد. (۱۱)

فلسفه فقه تربیتی

اگر بخواهیم به یک نظام تربیتی اسلامی دسترسی پیدا کنیم، باید به سه قلمرو اصلی بپردازیم: اول، «فلسفه تربیتی اسلام» است که به حوزه مبانی و نگرش‌های کلان در تعلیم و تربیت بر می‌گردد؛ دوم، «حوزه فقه تربیتی» است که به تعیین شیوه‌ها و روش‌ها و وضعیت رفتارهای صادر شده در مقام تعلیم و تربیت می‌پردازد؛ سوم، «اخلاق تربیتی» است که در واقع، به همان حسن و قبح‌ها در مقام تعلیم و تعلم می‌پردازد. اینها سه قلمرو اصلی هستند (فلسفه تربیتی اسلام، فقه تربیتی اسلام و اخلاق تربیتی) که در کنار هم، «نظام تربیت اسلامی» را ترسیم می‌کنند و هر یک، به قلمروها و ساحت‌های گوناگون تربیت می‌پردازند. اگر با نگاه استنباطی و اجتهادی و با روش درست به آن پرداخته شود، می‌توان یک نظام تربیت اسلامی را تصویر کرد. (۱۲)

ارتباط فقه و تربیت به چندگونه متصور است:

۱- فقه تربیتی که به بررسی موضوعات تربیتی از نگاه اجتهادی و فقهی می‌پردازد و نتیجه آن، گزاره‌های فقهی در زمینه تربیت است.

۲- نظام تربیتی، که به جمع بندی گزاره‌های فقه تربیتی و نظام دهی به آنها می‌پردازد؛ نظیر نظام اقتصادی.

۳- تحلیل تربیتی احکام، که به بررسی آثار اخلاقی و تربیتی همه احکام فقهی می‌پردازد.

از میان این سه ارتباط، فقه تربیتی تنها به همان قلمرو اول اختصاص دارد.

فقه (۱۳) به عنوان دانشی که ماهیت دینی و اسلامی دارد با تربیت (۱۴) به عنوان فرایندی که می‌تواند اسلامی باشد، دارای تأثیر و تأثراتی هستند که آثار و نتایج آن‌ها در جهت دهی نظام تعلیم و تربیت جامعه اسلامی آشکار می‌گردد.

مهم‌ترین زمینه‌هایی که امکان تعامل میان فقه و تربیت را میسر می‌سازد:

تأثیر فقه در تربیت

الف) تأثیر فقه در مبانی تربیت

ب) تأثیر فقه در اهداف تربیت

ج) تأثیر فقه در اصول تربیت

د) تأثیر فقه در روش‌های تربیت

هـ) (تأثیر فقه در ابعاد تربیت (جسمی، اخلاقی، اجتماعی و عقلی).

تأثیر تربیت در فقه

۱- تبیین و تحلیل موضوعات فقهی - تربیتی

۲- ایجاد عناوین ثانویه فقهی

۳- توسعه در قلمرو فقه و زمینه سازی برای تدوین «فقه تعلیم و تربیت»

۴- ارائه تحلیل‌های تربیتی از احکام فقهی

۵- تأثیر در آموزش و به کار بستن احکام فقهی(۱۵)

حضور دانش فقه در عرصه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش به این معناست که حوزه‌های تعلیم و تربیت مسلمانان بر اساس دستاوردهای پژوهشی متخصصان علوم تربیتی به یک سری

بایدها و نبایدهایی منجر می‌شود، این دانش الگوهایی را ارائه می‌دهد تا مربیان و والدین اقدامات تربیتی‌شان را براساس آن سامان‌دهی کنند.

تاکید ایده فقه تربیتی بر آن است که این بایدها و نبایدها تا حد امکان از منابع اسلامی و شرعی استناد شده باشند؛ به عبارت دیگر فقه تربیتی نظریه جدید در عرصه اسلامی سازی تعلیم و

تربیت(۱۶) است.

باتوجه به نکات فوق متوان «فقه التربیه» را علمی دانست که از طرفی به کشف و استنباط احکام شرعی (اعم از تکلیفی و وضعی) مربوط به رفتارهای مری و متری در مقام تربیت می‌پردازد

و از طرف دیگر به کشف دیدگاه‌های دینی درباره اجزا و عناصر تربیت می‌پردازد.

کارکردهای فقه التربیه

تعیین حکم شرعی در فرآیند تربیت

کارکرد اصلی و بالذات «فقه التربیه» تعیین حکم شرعی در فرآیند تربیت است. تربیت به عنوان فرآیند، همواره با فعالیت و اقدام مری و گاه فعالیت متری در مقام تربیت(۱۷) همراه

است.

لازم به ذکر است که مسایل «فقه التربیه» گاه از بین ابواب گوناگون فقهی جمع‌آوری می‌شود، مانند حدود تنبیه کودک، وادار کردن کودکان به نماز یا عبادات دیگر، بازداشتن آنها از محرمات،

گناهان یا مکروهات، تشویق ایشان به انجام مستحبات یا واجبات و گاه عناوین، موضوعات و مسایل فراوان جدیدی به عنوان «حوادث واقعه» در ساحت تربیت مورد بررسی فقهی قرار

می‌گیرد که این دسته دوم، دامنه وسیعتری دارد.(۱۸)

کشف دیدگاه‌های دینی

کارکرد دوم فقه در تربیت - که فراتر از فقه مصطلح رایج است - کشف دیدگاه‌های دینی درباره اجزا و عناصر تربیت است، که متوان آن را «کارکرد فراقه‌فقهی فقه التربیه» (به اصطلاح رایج

فقه) نامید. در این کار کرد، با بررسی احکام فقهی - که رویناهای شریعت محسوب می‌شوند - متوان به اجزا و عناصر تربیت - که زیربنای احکام می‌باشد - دست یافت. به بیان روشنتر،

متوان اهداف تربیت اعم از غایی و کلی را با توجه و بررسی فقیهانه احکام فقهی به دست آورد، چنان که اصول تربیت و روشهای آن را نیز متوان با بررسی احکام فقهی کشف کرد، و در

نتیجه به نظام تربیت، اعم از اهداف، مبانی، اصول، روشها و مراحل تربیت و غیره رسید.

شناخت دیدگاه دین درباره عناصر و اجزای تربیت و تدوین نظام تعلیم و تربیت، تا حد زیادی نیازمند تحلیل‌های فقهی در منابع دینی است. این تحلیل‌ها گاهی بر روی احکام فقهی صورت

می‌گیرد که برای کشف زیربنای دینی لازم است؛ شبیه کاری است که شهید سید محمد باقر صدر در کتاب اقتصادنا انجام داده یا در صدد انجام آن بوده‌اند و گاهی مستقیماً در

منابع و متون دینی انجام می‌شود؛ بدون آن که به احکام استنباط شده فقهی رجوع شود، و از این طریق برخی از اجزا و عناصر نظام تربیتی کشف می‌گردد.

نوع دیگری از تحلیل نیز در فقه قابل تصور است که نه برای کشف و تدوین نظام تربیتی، بلکه برای به دست آوردن و آگاهی از آثار و کاربردهای تربیتی عبادات و معاملات به کار می‌رود.

مثلاً آثار تربیتی نماز، روزه، حج، امر به معروف و نهی از منکر، وضو و غسل و غیره و کاربردهای هر یک از این اعمال در زمینه تربیت را متوان با تحلیل علمی آنها کشف کرد و هر یک را

به عنوان یکی از دستوره‌های دینی که دارای اثرهای تربیتی خاصی بر روی فرد یا جامعه است، شناسایی و معرفی کرد.

با توجه به نکات فوق، کارکرد دوم فقه در تربیت را متوان در دسته‌بندی زیر خلاصه کرد:

- ۱، اهداف تعلیم و تربیت؛
- ۲، مبانی تعلیم و تربیت؛
- ۳، اصول تعلیم و تربیت؛
- ۴، روشهای تعلیم و تربیت؛
- ۵، مراحل تعلیم و تربیت؛
- ۶، عوامل تعلیم و تربیت؛
- ۷، آسیبهای تعلیم و تربیت؛
- ۸، پیشگیری و درمان آسیبها.

ب. تحلیل تربیتی احکام:

- ۱، تحلیل تربیتی عبادات (نماز، روزه، حج، جهاد، خمس و ...):
- ۲، تحلیل تربیتی معاملات (انواع فعالیت‌های اقتصادی):
- ۳، تحلیل تربیتی قواعد فقهیه (استحباب عبادت صبی، قاعده تقیه، قاعده «کل کافر نجس»، قاعده «عدم اشتراط احکام الوضوئیه بالبلوغ»، قاعده «المؤمنون عند شروطهم»

فقه و علوم تربیتی

همه آنچه گفته شد، نیازمند دو نوع تخصص است:

یکی تخصص در فقه و به کارگیری روش فقهی، و دیگری تخصص در علم تربیت یا علوم مربوط به آن. لزوم تخصص در فقه تاکنون روشن شد، اما تخصص در علم تربیت هم برای فقیه در باب تربیت ضروری است، تا دقیقاً با زیر و بم موضوع تحقیق خود در فقه آشنا باشد. فقیه باید بر همه جوانب مسأله آگاه باشد و موضوع حکم را به روش‌شناسد. شناختن انواع مسایلی که در حوزه تعلیم و تربیت وجود دارد، و در نتیجه موضوعاتی که فقه باید به دنبال یافتن حکم آن‌ها باشد و نیز تحلیل تربیتی احکام فقهی، نیازمند تخصص در زمینه علوم تربیتی است که در دنیای امروز دانشی گسترده بوده و به دلیل شدت تأثیر آن در جنبه‌های مختلف زندگی بشر، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در رشته‌های علوم کاربردی برخوردار است. بنابراین، تأثیر علوم تربیتی بر فقیه، در زمینه مسأله‌شناسی و موضوع‌شناسی است؛ مسایلی که قبلاً وجود داشته و مسایلی که به اقتضای دنیای شلوغ و در هم تنیده امروز ایجاد میشوند و محتاج آن هستند که بر دین خدا عرضه شوند و تکلیف آن‌ها روشن شود. (۱۹)

لذا «فقه تربیت» حقیقتاً فقه است و چنین نیست که غیر از فقه باشد؛ منتها بخشی از فقه است که به حوزه موضوعات تعلیم و تربیت می‌پردازد و با توجه به اینکه این موضوعات از ناحیه علوم تربیتی بررسی می‌شوند و فناوری آموزشی و فرهنگی و تربیتی در آن اثر می‌گذارد و آن را بسط و گسترش می‌دهد، فقه تربیتی، در شناخت موضوعات، از این رشته‌ها متأثر می‌شود و به نحوی می‌توان آن را «میان رشته ای» به شمار آورد، اما نه به معنای اینکه دانشی غیر از فقه است، بلکه حقیقتاً خود فقه است

فقه التریبه بخشی از دانش فقه است که به تعیین حکم رفتارهای مریبان و متربیبان می‌پردازد و یکی از احکام خمس را برای رفتارهای مریبی و متربی بیان می‌کند. فقه التریبه اگرچه ممکن است یک عنوان جدید به شمار بیاید، ولی ریشه‌های آن در فقه سنتی و متداول موجود است؛ مثلاً مباحثی که درباره تعلیم علوم، انواع علوم و امثال اینها در مکاسب محرمة مطرح است، در حقیقت، جزئی از فقه التریبه است و به همین دلیل، نمی‌توان گفت فقه التریبه یک موضوع فقهی کاملاً جدید است، بلکه این موضوع همیشه در زندگی بشر وجود داشته است و بخش‌هایی از آن در فقه مورد بحث قرار گرفته است، اما به دلیل اینکه اصول این مباحث تعیین و تشخیص مستقل نداشته است، کتاب تعلیم و تربیت یا فقه التریبه نداشته ایم.

در این زمینه، می‌توان از سه منبع استفاده کرد:

اول: مباحث کهنی که در ابواب فقه وجود داشته، ولی پراکنده بوده است؛

دوم: مباحثی که در اخلاق از منظر تعیین حسن و قبح عقلی مطرح شده است که باید این مباحث را با روش اجتهادی به منظور تعیین حکم شرعی آنها مورد بحث قرار داد؛

سوم: مباحث و موضوعات جدیدی که در تعلیم و تربیت و علوم تربیتی و فناوری آموزشی مطرح اند و پرسش‌های نوینی را رویاروی فقه قرار می‌دهند. (۲۰)

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- فقه التریبه نظریه‌ای نودر علوم تربیتی سلامی در گفت و گو با حجه الاسلام و المسلمین علی رضا اعرافی، ص ۱۲ و ۱۳
- ۲- ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۴، ص ۴۴۲
- ۳- جوهری، الصحاح- تاج اللغه و صحاح العربیه، ج ۶، ص ۲۴۳
- ۴- منافقون (۶۳)، آیات ۳ و ۷؛ انعام (۶)، آیات ۶۵ و ۹۸؛ اسراء (۱۷)، آیات ۴۴ و ۴۶
- ۵- صدر، دروس فی علم الاصول، ج ۱، ص ۱۴۶
- ۶- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۰۴

- ۷- جوهری، الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربيه، ج ۶، ص ۲۳۵۰
- ۸- جوهری، الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربيه، ج ۱، ص ۱۳۰
- ۹- مكارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۴
- ۱۰- فقه التریبه نظریه‌ای نودر علوم تربیتی اسلامی در گفت و گو با حجه الاسلام و المسلمین علی رضا اعرافی، ص ۱۲
- ۱۱- نگاهی به تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه در تربیت، علی همت بناری- م معرفت، ش ۵۷، ص ۱
- ۱۲- فقه التریبه؛ نظریه‌ای نو در علوم تربیتی اسلامی م معرفت ش ۱۰۴
- ۱۳- بنابراین، هر عملی که از مری یا متری در مقام تربیت، به معنای عام آن، اعم از تعلیم و تربیت صادر شود و به نحوی اختیاری باشد، شریعت و فقه باید برای آن حکمی از احکام خمس را تعیین کند و اینجاست که «فقه تربیتی» معنا پیدا می‌کند
- ۱۴- «تربیت» به عنوان فرایندی انسانی هم موضوع «علوم تربیتی» (در شاخه‌ها و گرایش‌های گوناگون آن) قرار می‌گیرد و هم موضوع «فقه». البته علوم تربیتی، شناخت این فرایند و قوانین حاکم بر آن را هدف قرار می‌دهد و فقه، تعیین احکام شرعی رفتارهای تربیتی را جهت گیری می‌نماید و موضوعات گوناگون در رشته‌های مختلف علوم تربیتی، می‌تواند در این قلمرو قرارگیرد. بدین ترتیب، می‌توان مبانی علوم تربیتی و فقه را از لحاظ موضوع، «عموم و خصوص من وجه» دانست.
- ۱۵- نگاهی به تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه در تربیت، م معرفت، ش ۵۷، ص ۳۹
- ۱۶- رابطه تعلیم و تربیت با علوم دیگر سایت خبرگزاری کتاب ایران کد مطلب: ۱۴۷۳۸۵
- ۱۷- خواه مری بودن و متری بودن در یک فرد تحقق یابد، خواه در دو فرد. از آن جا که هر رفتار اختیاری انسان، الزاماً به یکی از احکام پنجگانه تکلیفی (وجوب، حرمت، استیجاب، کراهت و اباحه) یا احکام وضعی متصف می‌گردد و رفتارهای مری و متری در ضمن فرآیند تربیت نیز از این قاعده مستثنی نیست، در نتیجه فقه عهده‌دار تعیین حکم شرعی برای اقدامات و رفتارهای مری - به معنای عام آن - و رفتارهای متری خواهد بود.
- مری - به معنای عام - و رفتارهای او، شکل‌های مختلفی می‌تواند به خود بگیرد.
- ۱۸- در فرآیند تربیت از نخستین مراحل تربیت (پیش از تولد) تا مراحل بزرگسالی، مسایل بسیاری می‌توان یافت که یا قبلاً هم وجود داشته و مورد بحث فقهی قرار نگرفته - مانند حد و حدود تربیت جنسی در مدرسه، آموزش و پرورش و خانواده - و یا مسایل جدیدی است که به اقتضای تحولات دنیای معاصر به وجود آمده و با توجه به آثار تربیتی آنها، حکم فقهشان روشن نیست؛ مانند رفتار رسانه‌ها و رفتارهای کلان نهاد آموزش و پرورش و غیره. در این میان، رفتارهای متری و متعلم نیز به عنوان پذیرنده تربیت می‌تواند موضوع حکم فقهی قرار گیرد.
- ۱۹- فقه التریبه، تعامل فقه و تربیت؛ مجله پژوهش و حوزه ۱۳۸۱ شماره ۹
- ۲۰- فقه التریبه؛ نظریه‌ای نو در علوم تربیتی اسلامی م معرفت ش ۱۰۴

منابع:

- مكارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۴۶
- ۲- صدر، سید محمدباقر، درس فی علم الاصول، ج ۱، ص ۲۴۳
- ۳- جوهری، الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربيه، ج ۶، ص ۲۳۵۰
- ۴- فقه التریبه؛ نظریه‌ای نو در علوم تربیتی اسلامی؛ گفت‌وگو با حجه الاسلام و المسلمین علی رضا اعرافی ش ۱۰۴ - <http://marifat.nashriyat.ir/node/146>
- ۵- سید نقی موسوی؛ رابطه تعلیم و تربیت با علوم دیگر <http://www.ibna.ir/vdcfcedytw6djma.igiw.html>
- ۶- نگاهی به تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه در تربیت، علی همت بناری، ش ۵۷، ص ۳۹ <http://marifat.nashriyat.ir/node/1524>
- ۷- فقه التریبه، تعامل فقه و تربیت؛ هادی رازقی مجله پژوهش و حوزه ۱۳۸۱ شماره ۹ <http://www.ensani.ir/fa/content/51064/default.aspx>